

صحيفة الحسين عليه السلام

[289] اگر گفتارم را تصدیق می کنید، وسخن حقى است، وسوگند به خدا که از آن زمان که شنیدم خداوند دروغگویان را دوست ندارد هرگز دروغ نگفته ام، واگر مرا تکذیب می کنید کسانی در بین شما هستند که اگر از آنان سؤال کنید به شما خیر خواهند داد، از جابر بن عبد الله انصاري و ابا سعيد خدری وسهل بن سعد ساعدی وزید بن ارقم و انس بن مالك پرسید، آنان بشما خواهند گفت که این حدیث را از زبان پیامبر در حق من وبرادرم شنیده اند، آیا این سخن شما را از ریختن خون من باز نمی دارد ؟ پس به چه مجوزی می خواهید خونم را بریزید - تا آنجا که فرمود -: اگر در این مورد شك وتردید می نمائید، آیا در این زمینه نیز شك دارید که من پسر دختر پیامبرتان هستم، سوگند به خداوند که در تمام جهان پسر دختر پیامبری جز من در میان شما وغیر شما نمی باشد، وای بر شما، آیا مرا به جرم کشتن شخصی در میانتان، یا مالی که من از بین برده ام، یا بخاطر قصاص در مقابل کاری که انجام داده ام، بقتل می رسانید ؟ لشکر عمر بن سعد سکوت کردند، آنگاه فرمود: أي شئت بن ربیع، أي حجار بن ابجر، أي قیس بن اشعث، أي یزید بن حارث، آیا به من ننوشتید که میوه ها رسیده وبرگها سبز شده، وبسوی
